

**جایگاه حقوق شهروندی و کرامت انسانی در سیره عملی و نظری امام خمینی (ره)
(با رویکرد به فرمان هشت ماده‌ای)**

دکتر طهمورث حسنتقلی پور^۱

سید مهدی شریفی^۲

محمد تاب^۳

چکیده

در دورانی که نظام اومانیستی مبتنی بر آموزه‌های تحریف شده مسیحیت می‌کوشد با پشتوانه ناتوی فرهنگی حقوق و کرامت گمشده بشریت را برای او به ارمغان آورد، حرکت نظام‌مند فقیه‌ی مردم‌مدار برای نشان دادن غایت حقوق شهروندی و کرامت انسانی با تکیه بر نظام و حیانی که بر اساس آن از کرامت انسانی و حقوق شهروندی مساوی دفاع می‌کند بسیار پراهمیت شمرده می‌شود.

در این مقاله سعی شده است با برشمردن دیدگاه‌های نظری و سیره زمامداری امام خمینی (ره) در مواجهه با حقوق شهروندی و کرامت انسانی با استفاده از روش تحلیل محتوا، عمق اصول فکری بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در این زمینه تبیین شود.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، کرامت انسانی، امام خمینی، فرمان هشت ماده‌ای

۱- دانشیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

۲- دانشجوی دکتری مدیریت منابع انسانی دانشگاه تهران

۳- دانشجوی دکتری مدیریت منابع انسانی دانشگاه تهران

مقدمه

تجربه دنیای مدرن و تلاش انسان مدرن برای رهایی از قید و بند حاکمان ظالم و مستبد - که گاه به نام دین، استبداد و ظلم می‌کردند - مفهوم جدیدی را به نام «شهروند» برجسته ساخت؛ البته شهروند ریشه در سنت فکری یونان باستان دارد. دنیای مدرن با محور قرار دادن انسان و نفی هر گونه حاکمیت غیر بشری تلاش نمود تا حقوق طبیعی بشر را در عرصه زندگی سیاسی - اجتماعی احیا نموده و با تلقی انسان‌ها به عنوان شهروندانی آزاد و برابر، به شیوه خود، عزت و کرامت انسان شهروند را فراهم نماید. هر چند دنیای مدرن غربی با شعار انسان‌محوری، تلاش نمود تا کرامت انسانی را تأمین نماید، اما تجربه چند سده حاکمیت تفکر مدرن غربی، نشان داد که چنین شعاری عملاً با دور شدن انسان از عالم قدسی و محور قرار گرفتن زندگی این جهانی، به اسارت او در عالم مادی انجامیده و عزت و کرامت واقعی انسانی را در دام هوس‌های زودگذر دنیوی و مخاطره انداخته است.

شهروندی در دنیای جدید غالباً با نگرش فردمحورانه مدرنیسم غربی آمیخته است و دلبستگی‌ها و وفاداری‌های جمعی وی را تضعیف نموده است. غلبه نگرش لیبرالیستی، در عمل این خصلت مدرنیته غربی را در برابر گونه سوسیالیستی آن، کاملاً برجسته نموده است. برخلاف نگرش‌های غربی، در تفکر اسلامی، شهروندی ماهیت خاصی دارد و همراه با تأکید بر حقوق فردی و حرمت انسان مؤمن، خصلت جمعی جامعه مؤمنان در قالب امت اسلامی پذیرفته شده است. در تعابیر دینی، جامعه مؤمنان اهمیت داشته و خداوند از امت واحده خویش سخن گفته است. چنین نگرشی - برخلاف نگرش‌های غربی - خصلت خاصی از شهروندی را در جامعه اسلامی اقتضا می‌کند. چنین الگویی از شهروندی، شهروندان را به منافع و مصالح جمعی جامعه اسلامی فراخوانده و همراه با حقوق فردی وی، مسئولیت‌های جمعی را برای وی مطرح می‌سازد. از این منظر، شهروند جامعه اسلامی با حضور فعال و متعهدانه در عرصه اجتماعی ایفای نقش می‌کند و او را نسبت به ساختن جامعه مطلوب به حرکت درمی‌آورد.

به رغم ایده متعالی شهروندی در تعالیم اسلامی، با تحریقاتی که در سنت اصیل اسلامی به وجود آمد، جامعه اسلامی به تدریج از این الگو فاصله گرفت و غلبه حاکمان مستبد و خودکامه، مانع اجرای الگوی متعالی شهروندی در جهان اسلام گردید. تجربه تلخ تاریخی و درونی جامعه اسلامی در غلبه ظلم و ستم و استعباد بندگان خداوند به دست حاکمان ظالم، از یک سو، و تهاجم تفکر دنیوی غربی از سوی دیگر، سبب شده است تا احیاگران مسلمان تلاش نمایند با بازگشت به اصل اسلام و زدودن انحرافات و خرافات از آن، عزت و کرامت انسانی را در پیوند با عالم قدسی، دوباره احیا نمایند. انقلاب اسلامی و اسلام‌گرایی معاصر به رهبری امام خمینی (ره)، برای رسیدن به جامعه‌ای که حقوق و ارزش‌های انسانی در آن محفوظ باشد و انسان در آن جامعه به سوی سعادت و کرامت سوق داده شود، کوششی در همین زمینه بوده است. از این جهت آرا و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در اسلام‌گرایی معاصر، حایز اهمیت است. او رهبری بوده است که در دوران معاصر با طرد الگوهای غربی، بر بازگشت به سنت اسلامی گذشته تأکید نمود. از این جهت دیدگاه‌های او را

در باب الگوی شهروندی و کرامت انسانی، به رغم وجود دیدگاه‌ها و قرائت‌های مختلف اسلام‌گرایی معاصر، می‌توان به گونه‌ای تجلی کلان دیدگاه اسلام‌گرایی معاصر در این زمینه دانست. با مقدمه‌ای که ذکر آن رفت، مطالعه حاضر می‌کوشد به بررسی آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و همچنین سیره عملی ایشان در باب الگوی شهروندی و ارتباط آن با کرامت انسانی بپردازد.

نظریه‌ها و الگوهای شهروندی

شهروندی مفهومی است که ریشه در ادبیات یونان باستان دارد. در یونان باستان، شهروند، به عنوان عضو جامعه سیاسی، دارای حقوق و ویژگی‌های شهروندی شناخته می‌شد. در دنیای مدرن، شهروندی اهمیت مضاعفی یافت و نظریه‌های مختلفی در باب آن مطرح گردید. به رغم تحولات شهروندی در طول تاریخ و پیدایش مفاهیم و نگرش‌های مختلف درباره آن، می‌توان تمامی دیدگاه‌های شهروندی را از منظری کلان به مسأله جایگاه فرد در یک نظام سیاسی ارجاع داد. براین اساس، ریشه اساسی شهروندی در اقدامی است که فرد در جهت قدرت‌بخشی به خود در برابر محیطی که در آن زاده شده است، انجام می‌دهد (تقی‌لو، ۱۳۸۲، ۷۸). شرط دیگر شهروندی پذیرش ظرفیت عقلانیت انسانی است. براین اساس، شهروندی به مثابه قدرت‌بخشی و سلطه بر یک زمینه تهدید کننده، بر اولویتی متکی است که به ظرفیت عقلانیت انسانی داده می‌شود (تقی‌لو، ۱۳۸۲، ۸۷).

برخی سعی نموده‌اند این مفهوم را با بهره‌گیری از مفهوم هگلی «نیاز به رسمیت شناخته شدن» توضیح دهند. شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است نیاز انسان را، به رسمیت شناخته شدن ارضا نماید. کیت فالكس تلاش نموده است تا نظریه‌های شهروندی را بر اساس چهار شاخصه اصلی بررسی نماید. نتیجه بحث فالكس معرفی چهار شاخص اصلی در بررسی مسأله شهروندی است: بستر؛ گستره؛ محتوا؛ و عمق. بحث نخست، به بررسی بستر شکل‌گیری ایده شهروندی در جوامع مختلف برمی‌گردد. اما علاوه بر بررسی بستر شکل‌گیری، توجه به سه مسأله دیگر نیز حایز اهمیت است که باید در بررسی نظریه‌های شهروندی مورد توجه قرار گیرد:

- اول این که مبارزات اجتماعی، اغلب معطوف به گستره شهروندی بوده‌اند. چه کسانی را باید شهروند تلقی نمود و چه معیارهایی - اگر اصولاً چنین معیارهایی وجود داشته باشند - در محروم ساختن بعضی‌ها از منافع شهروندی، معیارهای مشروعی هستند؟

- دوم این که محتوای شهروندی بر حسب حقوق، وظایف و تعهدات چه باید باشد؟

- سوم این که برداشت ما از شهروندی باید تا چه حد عمیق یا پرمایه باشد؟

منظور از این سؤالات این است که ما تا چه حد باید هویت خود را به عنوان یک شهروند طلب کنیم و تا چه حد باید هویت شهروندی‌مان را بر دیگر منابع هویت اجتماعی و ادعاهای متعارضی که در زمانه‌مان داریم، نظیر تعهدات خانوادگی یا تأمین معاش، مقدم بداریم؟

هر کدام از الگوهای مطرح شده، برای گونه‌شناسی شهروندی ویژگی‌های خاصی دارند. این الگوها غالباً در بستر شهروندی مدرن مطرح شده‌اند. از این رو برای یافتن الگوی مناسب برای شهروندی، لازم است برخی از مؤلفه‌های مربوط را نیز شناسایی نماییم.

یکی از مؤلفه‌هایی که در این الگوها مطرح نشده است، مبنای شهروندی است. با توجه به این‌که شهروندی در درون یک نظام سیاسی تحقق می‌یابد، لازم است مبانی آن مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه، ماهیت شهروندی در نظام‌های استبدادی سنتی یا توتالیتر از منظر مبانی مشروعیت نظام سیاسی، با نظام‌های دینی تفاوت دارد. وجه اشتراک هر دوی آن‌ها، جریان‌یابی شهروندی، از بالا به پایین می‌باشد. معیارهای شهروندی از بالا یا پایین نمی‌توانند به خوبی این ایده را مطرح نمایند؛ هر چند شکل شهروندی بالا یا پایین، یا آن‌چه که در الگوی کاستلز و دیویسسون، شهروندی نخبه‌گرایانه و دموکراتیک مطرح شده است با این مسأله قرابت دارند؛ اما نمی‌توانند به تنهایی آن را بیان کنند. از این رو می‌توان با اضافه کردن شاخصه‌ای چون مبنای شهروندی این ایده را در نظریه‌های مختلف شهروندی بررسی کرد.

همچنین شاخصه نوع شهروندی در الگوی بریان ترنر نیز حایز اهمیت است. طبق الگوی ترنر، یکی از شاخص‌های شهروندی، نوع شهروندی، از جهت فعالیت یا انفعال شهروندان در نظام سیاسی می‌باشد. هر چند ایده فعال بودن یا منفعل بودن شهروند با محتوا و عمق شهروندی از منظر تقارن دارند، اما آن‌ها هر کدام بر بُعد خاصی دلالت می‌کنند. ممکن است در یک الگوی شهروندی عمیق مطرح باشد، اما افراد، انگیزه و کشش لازم را برای مشارکت عملی، از خود نشان ندهند. از این رو افزودن نوع شهروندی فعال یا منفعل می‌تواند این مسأله را در شاخص‌یابی شهروندی برجسته‌تر نماید.

بر این اساس، به نظر می‌رسد با ترکیب دیدگاه‌های ترنر و فالکس و تکمیل آن‌ها، می‌توان الگوی جدیدی را با هفت محور بستر، مبنای محتوا، عمق، نوع، گستره، و غایت، به صورت زیر برای شهروندی مطرح ساخت. هر کدام از محورهای این الگو ناظر به بُعد خاصی از مسأله شهروندی هستند. البته باید توجه داشت که در هر کدام از این شاخص‌ها می‌توان گونه‌های بسط و ترکیبی یافت (نک: جدول ۱).

۱. **بستر شهروندی:** مراد از این شاخصه چنان‌که در الگوی فالکس نیز آمده است، فضای شکل‌گیری ایده شهروندی می‌باشد. در این‌جا بسترهای مختلفی را می‌توان برای شکل‌گیری شهروندی شناسایی نمود. مثل: بستر جامعه سنتی - برده‌داری یا فئودالی؛ بستر دینی؛ بستر بورژوازی یا سرمایه‌داری.

شاخص‌های شهروندی	تعاریف و مصادیق
بستر	بستر دینی؛ سنتی؛ کشاورزی/فئودالی؛ بورژوازی سرمایه‌داری؛ عرصه نزاع قدرت
مبنا	مشروعیت سنتی؛ الهی؛ کاریزماتیک؛ قرارداد اجتماعی؛ موقعیت و بستر جامعه
محتوا	میزان رابطه تعهدات و حقوق
عمق	گسترش ایده شهروندی به حوزه خصوصی - عمومی
نوع	منفعل؛ فعال؛ متعهدانه
گستره	انحصاری/باز؛ قبیله‌ای؛ دولت-شهر؛ دولت-ملت؛ جهانی
غایت	فضیلت اخلاقی؛ فضیلت دینی - اخروی؛ آزادی؛ رفاه؛ نفی سلطه طبقاتی

جدول ۱: الگوی پیشنهادی گونه‌شناسی شهروندی

۲. **مبنای شهروندی:** مبنای شهروندی، ناظر به منظر نگرش به شهروندی و حقوق و تعهدات مربوط به آن می‌باشد. با توجه به وجود نظریه‌های مختلف در مشروعیت، می‌توان گونه‌های مختلفی را برای شهروندی به دست آورد. البته در برخی از این نظریه‌ها، شهروندی کاملاً رقیق شده و تضعیف می‌گردد؛ اما اگر شهروندی را در معنای عام آن در نظر بگیریم، می‌توانیم تناسبی بین این نظریه‌ها و الگوی شهروندی بیابیم. نمونه‌هایی از مبانی شهروندی عبارت‌اند از: شهروندی مبتنی بر نگرش سنتی به مشروعیت؛ شهروندی مبتنی بر آموزه‌های دینی؛ شهروندی مبتنی بر قرارداد اجتماعی. بحث از شهروندی بالا/پایین و شهروندی نخبه‌گرایانه/دموکراتیک به مبنای شهروندی برمی‌گردد.

۳. **محتوای شهروندی:** پرسش از محتوای شهروندی به نسبت تعهدات مزایا، یا حقوق و تکالیف برمی‌گردد. گونه‌های مختلف شهروندی دیدگاه‌های مختلفی را در باب این حدود و وظایف مطرح ساخته است. در این جا می‌توان بین شهروندی در الگوی ماقبل مدرن، لیبرال، پسا لیبرال و... مقایسه نمود. به لحاظ محتوای شهروندی، گاه از دو الگوی شهروندی سطحی و عمیق صحبت شده است. فالكس سنخ‌شناسی بوبک را در باب مقایسه شهروندی عمیق و شهروندی سطحی در جدول ۲-۱ مطرح ساخته است.

۴. **عمق شهروندی:** عمق شهروندی به حدود اهمیت و دخالت شهروندی در حوزه خصوصی و عمومی مربوط می‌شود. نظام‌های مدرن عمدتاً شهروندی را به حوزه عمومی مربوط دانسته و حوزه فردی-خصوصی در اختیار فرد قرار می‌گیرد. شهروندی سطحی آن است که به دلیل دل‌بستگی کم‌تر فرد به زندگی عمومی و جمعی و تمرکز بر خواسته‌های شخصی خویش، در ارتباط با مسائل عام اجتماعی تعاملات، حقوق و تعهدات اندکی را در بر داشته باشد. در مقابل، شهروندی عمیق چنین تعریف شده است:

فعالیت شهروند که به طور مستقل در مکان‌ها و فضاهای گوناگونی عمل می‌کند. این فعالیت محور سیاسی را از دولت تغییر می‌دهد و بنابراین امکان سیاست را به عنوان یک مشارکت فردی در فعالیتی مشترک و اجتماعی اعاده می‌نماید.

شهروندی عمیق	شهروندی سطحی
حقوق و مسئولیت‌ها متقابلاً یکدیگر را حمایت می‌کنند.	حقوق برتر شمرده می‌شوند.
فعالانه	منفعله
جامعه سیاسی (و نه لزوماً دولت) به عنوان بنیان زندگی خوب	دولت به عنوان یک ضروری
گسترش در زندگی عمومی و خصوصی	صرفاً یک موقعیت عمومی
وابستگی متقابل	مستقل
آزادی از طریق فضیلت مدنی	آزادی از طریق انتخاب
اخلاقی	حقوقی

جدول ۲: الگوی شهروندی سطحی و عمیق فالکس

نظام‌های سیاسی لیبرال عصر مدرن غالباً به اتمیزه شدن جامعه کمک نموده، در نتیجه با اولویت‌یابی اراده فردی، مسائل و منافع جمعی، تحت الشعاع قرار گرفته است. چنین شهروندی، مصداق بارز شهروندی سطحی است که افراد علقه‌های بسیار اندکی نسبت به تعهدات اجتماعی خویش دارند. در مقابل، نظریه‌های جمهوری‌خواهی جدید تلاش نموده‌اند، تا با فعال کردن تعهدات فرد نسبت به عرصه اجتماعی، دغدغه‌های بیش‌تری در آنها، نسبت به امور جمعی ایجاد کنند.

۵. نوع شهروندی: هر کدام از نظریه‌های شهروندی نگرش متفاوتی را نسبت به مشارکت شهروندان در عرصه سیاسی مطرح می‌کنند. نمونه‌های بارز نوع شهروندی را می‌توان در الگوهای شهروندی منفعل، شهروندی فعال، و شهروندی متعهدانه یافت. نوع شهروندی را می‌توان با الگوهای مشارکت سیاسی مقایسه کرد. در مباحث توسعه سیاسی و فرهنگ سیاسی اغلب با بهره‌گیری از الگوشناسی فرهنگ سیاسی آلموند و همکاران وی، سه گونه الگوی مشارکت سیاسی مطرح می‌شود:

گونه نخست، فرهنگ سیاسی محدود یا ده‌کوره است. شاخصه این الگو، این است که در آن «افراد نه نسبت به نهادهای سیاسی کشور و نیز مسائل و تصمیمات ملی احساس وابستگی می‌کنند و نه تصویر روشنی از نظام سیاسی در ذهن دارند».

الگوی دوم، فرهنگ سیاسی تبعی یا انقیادی است. هر چند در این الگو، مردم از نظام سیاسی آگاهی دارند؛ «ولی به علت نبود نهادهای بیان و تجمع خواست‌ها و تقاضاها و یا ضعف ساختارهای نهادی، افراد نمی‌توانند از کارایی سیاسی چندانی برخوردار باشند. در این فرهنگ، نخبگان سیاسی سخنگوی خواست‌های مردم هستند».

در سومین الگوی فرهنگ سیاسی مشارکتی یا فعال، مردم هم در سطح نهاده‌ها (طرح خواست‌ها و تقاضاها) و نیز داده‌ها (استراتژی‌ها، قوانین و طبقه بندی اولویت‌ها) نقش دارند و نسبت به رفتار نخبگان سیاسی حساس هستند. در این الگو شهروندان از لحاظ روانی بر این باورند که می‌توانند به نظام سیاسی کمک کنند و در تصمیمات، مؤثر باشند.

در نگاهی دیگر می‌توان الگوهای مشارکت سیاسی را از منظر منشأ مشارکت، بر اساس دو گونه الگوی مشارکت از بالا و مشارکت از پایین طبقه‌بندی نمود و آن‌ها را با دو گونه شهروندی فعال و اقتدارپذیر مقایسه کرد. برایان ترنر یکی از مؤلفه‌های مطرح در الگوهای شهروندی را بر اساس شکل شهروندی، شهروندی مبتنی بر رابطه از بالا یا پایین دانسته است. کاستلز و دیویدسون نیز از منظری کلان، تمامی دیدگاه‌های مربوط به شهروندی را در دو گونه اصلی نخبه‌گرایانه و دموکراتیک طبقه‌بندی کرده‌اند (نک: جدول ۳).

الگو	شهروندی نخبه‌گرایانه	شهروندی دموکراتیک
ویژگی‌ها	مبتنی بر نقش نخبگان	مبتنی بر بینش مردمی
	جریان از بالا به پایین	جریان قدرت از پایین به بالا
	قدرت‌زدایی از مردم	قدرت‌بخشی به مردم

جدول ۳: الگوی شهروندی نخبه‌گرایانه / دموکراتیک کاستلز - دیویدسون

سنت نخبه‌گرایانه با بینش مردمی به صورت خصمانه برخورد می‌کند. سنت دوم، سنتی دموکراتیک و بر بینش مردم مبتنی است. این سنت تنها دیدگاهی است که به سهولت با گرایش به قدرت‌بخشی سازگار است؛ زیرا تنها این نظریه است که با جریان قدرت از پایین هماهنگی دارد. این در حالی است که سنت اولی، بر اساس خبرگان، بنیان یافته است و مطابق با آن، قدرت، تنها از بالا جریان می‌یابد و بنابراین، از آن‌هایی که در پایین قرار می‌گیرند، باید قدرت‌زدایی صورت گیرد.

محوریت شریعت و آموزه‌های دینی در اسلام، سبب تمایز ماهیت مشارکت در اندیشه اسلامی با الگوی مدرن غربی است. چنین تمایزی موجب می‌شود الگوی جدیدی را برای مشارکت سیاسی در حکومت اسلامی با عنوان «مشارکت سیاسی متعهدانه» اضافه نماییم. الگوی مشارکت سیاسی متعهدانه، گونه‌ای از مشارکت در عرصه سیاسی است که حضور متعهدانه فرد را در عرصه سیاسی با استناد به امور ماورای فردی، یک تکلیف اعلام می‌کند و از فرد می‌خواهد تعهداتی را در عرصه سیاسی بپذیرد. در چنین نگرشی حق و تکلیف و تعهد به مشارکت در عرصه سیاسی تلفیق یافته است. اما مبنای مشارکت در عرصه سیاسی، در نگرش غرب عمدتاً مبتنی بر محوریت انسان و حقوق وی می‌باشد. این امر به ویژه در نظام‌های لیبرال که فرد محور است غلبه دارد.

در مقابل، مشارکت سیاسی از پایین، که غالباً با شهروندی فعال همسان می‌شود، مبتنی بر اراده و خواست مردمی است. در این الگو مشارکت با شکل‌گیری اراده‌های آزاد فردی و بر اساس حق تعیین سرنوشت، مبتنی بر قرارداد اجتماعی و مستقل از اشراف یا الزام‌آوری منابع دیگر صورت می‌پذیرد. افراد، صاحب حق یا اختیار

هستند تا هر گونه که می‌خواهند رفتار کنند و در نتیجه در صورت پذیرش حکومت دینی، این حضور و رأی آنان است که به حکومت مشروعیت و اعتبار می‌بخشد. در این جا مشارکت فعال، ناشی از حضور ارادی و مطابق خواست و نظر افراد، فارغ از الزامات پیشینی یا فرا فردی می‌باشد.

مشارکت سیاسی فعال در بستر دینی علاوه بر یک حق بودن، صبغه تعهد دینی نیز می‌یابد. این امر به قرائت‌های درون‌دینی طرفداران نقش کلیدی مردم در حکومت اسلامی برمی‌گردد که تعیین کننده بودن رأی و مشارکت مردم را به آموزه‌های درون‌دینی نیز استناد می‌کنند. از این الگو می‌توان به عنوان مشارکت سیاسی متعهدانه یاد کرد. مشارکت سیاسی متعهدانه به لحاظ عمق شهروندی، از گونه شهروندی‌های عمیق محسوب می‌شود.

۶. گستره شهروندی: بحث از گستره شهروندی به چگونگی (باز یا بسته بودن) برخورداری از حقوق شهروندی در یک جامعه و قلمرو آن برمی‌گردد. همچنین می‌توان از شهروندی واحد یا متکثر نیز بحث نمود.

۷. غایت شهروندی: در نظریه‌های مختلف شهروندی، دیدگاه‌های مختلفی درباره غایت شهروندی مطرح شده است. غایت شهروندی، خود به غایت نظام سیاسی و جامعه بستگی دارد. به صورت اجمالی می‌توان غایات مطرح شده برای شهروندی را غایت رفع نیاز در جوامع سنتی، زمینه‌سازی فضیلت، آزادی، یا نفی سلطه و سیطره دانست.

پیشینه و مبانی شهروندی در سنت اسلامی

هر چند شهروندی در معنای مدرن آن از دستاوردهای دنیای مدرن تلقی می‌شود و از منظری غرب‌محور، الگوهای دیگر و ماقبل مدرن با چنین تعبیری یاد نمی‌شود، اما به نظر می‌رسد مسأله شهروندی، امری عام و فراگیر است. شهروندی، حاکی از جایگاه فرد در عرصه سیاسی- اجتماعی است و حقوق و تعهدات وی را در عرصه عمومی بیان می‌کند.

با چنین نگرشی می‌توان از الگوی شهروندی در جامعه اسلامی نیز سخن گفت. در متون مربوطه نیز اغلب تلاش شده است تا الگوی شهروندی، در نگرش‌های مختلف ماقبل مدرن، همچون یونان باستان، جمهوری روم و به ویژه در سنت مسیحی بررسی شود. هر چند از منظر مدرن چنین نگرش‌هایی شاهد فراز و فرود و تحول در مفهوم شهروندی و حوزه وظایف و اختیارات و حقوق شهروندان بوده است، اما آن‌ها همگی به گونه‌ای الگوهای متفاوت شهروندی بوده‌اند.

عضویت در جامعه اسلامی و شیوه‌ها و الگوی آن، یکی از مباحث مهم اجتماعی اسلام است. طبق تعالیم بنیادین اسلامی، تنها معیار عام عضویت در جامعه اسلامی، پذیرش پیام آسمانی اسلام در باب توحید است. با پذیرش توحید و اقرار به رسالت پیامبر اسلام (ص) هر مسلمانی حقی مساوی با دیگران در جامعه اسلامی می‌یابد. اساسی‌ترین حق هر عضو جامعه اسلامی حفظ جان، مال و ناموس اوست. در اسلام، هیچ حق نژادی، عشیره‌ای پذیرفته نشده است. تنها معیار برتری برای اعضای جامعه اسلامی، تقواست. عضویت در شعوب و

قبایل و اقوام به تصریح قرآن کریم تنها به منظور تمایز و شناسایی بین افراد و اقوام است و هیچ مزیتی برای فرد محسوب نمی‌شود. پیامبر اسلام (ص) با حذف تبعیض‌ها و امتیازهای جامعه جاهلی، جامعه اسلامی را بر اساس مساوات و برابری تمامی اعضای مسلمانان بنا نهاد.

کرامت شهروندان در حکومت

کرامت انسانی و حق شهروندی، یک بحث علمی تئوریک صرف نیستند؛ بلکه به صورت محسوس نتیجه خارجی دارند. از این رو، اکنون انسان را به عنوان یک شهروند در درون حکومت مورد مطالعه قرار خواهیم داد و حقوق اساسی شهروندان را که مبتنی بر کرامت آنان است، طرح خواهیم کرد و اصول کلی اسلام و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) را در خصوص حقوق اجتماعی شهروندان، خواهیم آورد.

شهروندان در درجه اول انسان‌اند. بنابراین، خصلت انسان بودن آنان مقدم بر ویژگی شهروندی آنان است. کرامت ذاتی برای انسان منفعتی ندارد، مگر این که انسان در صحنه اجتماع قرار بگیرد و به اصطلاح امروزی عنوان شهروند را پیدا کند. در این موقعیت، صحبت از حفظ کرامت و یا تعدی و تجاوز به کرامت ذاتی انسان به عنوان یک شهروند، معنا پیدا می‌کند. همه انسان‌ها آزاد زاده می‌شوند و به نام انسان از حقوقی برخوردارند که نمی‌توان آن را از کسی سلب کرد و نمی‌توان کسی را از داشتن آن محروم کرد؛ اما در حقوق شهروندی اعطایی، انسان باید در سایه دولتی قرار بگیرد و چنانچه دولت حقوق تعریف شده را که عموماً به صورت قانون درمی‌آید به او اعطا کند، خواهیم گفت که کرامت انسانی شهروند رعایت شده است؛ به عبارت دیگر، انسان شهروند، واجد یک سری حقوق اساسی و بنیادین است که منبع و مبنای این حقوق، کرامت انسان است و دستگاه‌های حکومتی موظف‌اند این حقوق بنیادین را رعایت و حراست کنند.

شهروندان در پناه دولتی عادل و مقتدر می‌توانند به نوعی زندگی کنند که در آن بیش‌ترین حقوق انسانی و حرمت‌شان حفظ شود.

در یک نگاه کلی می‌توان مسئولیت حکومت و دولت را در دو جنبه ذکر کرد:

۱. جنبه سلبی: دولت‌ها اجازه ندارند وارد حقوق اولیه و فطری شهروندان شوند؛ حقوقی مانند: آزادی، حیات و زندگی شخصی.
۲. جنبه ایجابی: دولت‌ها موظف و مکلف‌اند که برای ارتقا و تقویت حقوق طبیعی و کرامت انسانی شهروندان اقدامات عملی انجام دهند.

امام خمینی و کرامت انسانی

۱- مواجهه با اقشار آسیب‌پذیر

امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار حکومتی اسلامی، بر ارزش انسان و رعایت کرامت او تأکید می‌نمودند. ایشان می‌دانستند که مسأله مهم برای یک حکومت اسلامی این است که تمام شهروندان و اتباعش به یک اندازه از مزایا و عدالت حکومت بهره‌مند شوند. از این رو، امام (ره) بر رسیدگی و حمایت قانون و حکومت از

کسانی که با بی‌مهری‌های رژیم‌های گذشته به حاشیه رانده شده بودند و عنوان شهروندان درجه چندم را پیدا کرده بودند، اصرار می‌نمودند.

«همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظف‌اند که با فقرا و مستمندان و پابره‌نه‌ها بیش‌تر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند» (صحیفه امام، ج ۲۰، ۳۴۱). بی‌تردید، تأکید امام در رسیدگی به وضعیت اقشار پایین و مستضعف و دلجویی از آنان، دلیلی بر دیدگاه بلند ایشان در خصوص کرامت و حرمت تمام شهروندان جامعه اسلامی است.

۲- آزادی‌های عمومی

آزادی در اینجا غیر از آزادی در حقوق فطری که در مقابل «عبودیت» بود، می‌باشد. این دسته از آزادی‌های عمومی، از پدیده‌ترین بحث‌های حقوقی است که از دید اندیشمندان و حامیان حقوق بشر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما این مفهوم تعریف و حد و مرز مشخصی ندارد و به تعداد اندیشمندان برای آن تعریف صورت گرفته است. حضرت امام (ره) در این باره می‌فرماید:

«آزادی یک مسأله‌ای نیست که تعریف داشته باشد، مردم عقیده‌شان [و مرامشان] آزاد است. کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید» (همان، ج ۱۰، ص ۹۴).

اما از آنجایی که مفهوم آزادی به خودی خود بدون قید و البته وسوسه‌انگیز و فریب‌دهنده است، آنچه از آزادی اراده می‌شود، بی‌شک آزادی بی‌نهایت و بی‌حد و مرز نیست. حضرت امام (ره) درباره حد آزادی به عنوان حدود کرامت شهرندی می‌فرماید:

حالا که من آزادم که هرکاری می‌خواهم بکنم، آزادم هرکه را می‌خواهم اذیت کنم، آزادم که هرچه می‌خواهم بکنم ولو به ضد اسلام باشد ولو به ضد منافع مملکت باشد. [آیا] این، آزادی است؟ (همان، ج ۸، ص ۶۵).

۳- حق انتخاب

امام خمینی (ره) انتخاب نوع و شکل حکومت را از حقوق اولیه مردم می‌داند:

«از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت را در دست داشته باشد» (همان، ج ۴، ۳۶۷).

ایشان درباره حق انتخاب و رأی مردم بر آزادی افراد در انتخاب تأکید ویژه‌ای دارند.

«مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد و یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند» (همان، ج ۲۱، ص ۱۰).

۴- نقش نظارتی شهروندان

حضرت امام (ره) در مورد اهمیت نظارت ملت، سعادت جامعه اسلامی را در گرو فضای نقد می‌داند و در عین حال نظارت شهروندان بر حاکمان را یک وظیفه می‌شمرد:

«البته نباید ماها گمان کنیم که هرچه می‌گوییم و می‌کنیم، کسی را حق اشکال نیست. اشکال، بلکه تخطئه، یک هدیه الهی است برای رشد انسان‌ها» (همان، ج ۲۰، ص ۴۵۱).

همه ملت موظف‌اند که نظارت کنند. بر این امور، نظارت کنند. اگر من پام را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن» (همان، ج ۸، ص ۵).

۵- حقوق اقلیت‌ها و مخالفان

پذیرش حقوق برابر انسان‌ها با هر اندیشه و از هر نوع و جنسی که باشند، پدیده‌ای است که از احترام به شخصیت و اعتقاد به اصالت بشر سرچشمه گرفته و تفکری پیشرفته است.

امام (ره) در مورد حقوق اقلیت‌های مذهبی در حکومت جمهوری اسلامی ایران رعایت حقوق اقلیت‌ها را ناشی از احترام اسلام به آزادی این گروه می‌داند.

«اقلیت‌های مذهبی حقوقشان رعایت می‌شود. اسلام به آنها، برای آنها احترام قائل است» (همان، ج ۶، ص ۴۶۲)

ایشان در پاسخ به این سؤال که آیا جمهوری اسلامی شما اجازه خواهد داد تا مذاهب دیگر به طور آزاد و آشکار به انجام امور مذهبی‌شان بپردازند، فرمودند:

«بله تمام اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی می‌توانند به کلیه فرائض مذهب خود آزادانه عمل نمایند و حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان به بهترین وجه حفاظت کند» (همان، ج ۲۱، ص ۵۸۰).

۶- برابری و عدالت

عدالت و برابری در فرصت‌ها و امکانات، لازمه کرامت ذاتی انسان‌ها است. حضرت امام خمینی (ره) نیز بر عدالت و برابری اسلامی در جمهوری اسلامی تأکید بسیاری داشتند. ایشان عدل‌گستری را وظیفه همه مسئولان کشور می‌دانند.

«عمل به عدل اسلامی، مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست که در سایر ارگان‌های نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیراسلامی داشته باشد» (همان، ج ۱۷، ص ۱۴۰)

۷- امنیت اجتماعی و حقوق اقتصادی

شهروندی که در جامعه‌اش از امنیت برخوردار نباشد، در واقع سرمایه‌های مادی و معنوی‌اش تهدید می‌شود.

در این باره حضرت امام (ره) به مسئولان عالی‌رتبه جمهوری اسلامی دستور داده‌اند:

«هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید؛ مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی» (همان، ج ۱۷، ص ۱۴۰).

فرمان هشت ماده‌ای و ایجاد مکانیزم اجتماعی مناسب با کرامت انسان

امام خمینی (ره) در ۲۴ آذر ۱۳۶۱، یعنی چهل و شش ماه و دو روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فرمانی را صادر می‌کنند که منشور حقوق شهروندی و کرامت انسانی لقب می‌گیرد. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۹)

در شرایط زمانی و جوّ حاکم بر اجتماع که نیروهای انقلابی به ضرورت اول انقلاب به صورت ضربتی و سلیقه‌ای عمل می‌کردند و دشمنان خارجی به مرزهای غربی و جنوبی ایران می‌تاختند، دو ابرقدرت شرق و غرب با اشغال افغانستان توسط شوروی و حضور نظامیان آمریکایی در عربستان سعودی و کویت و ایجاد قرارداد آمریکا با پاکستان و ترکیه، عملاً ایران را به محاصره نظامی خود در آورده بودند؛ دشمنان داخلی نیز، با ترور، بمب‌گذاری، غائله‌سازی، خرم‌سوزی و...، آسایش و آرامش و امنیت مردم را سلب کرده بودند. از دیگر سوی، دولت جمهوری اسلامی نیز، به خاطر عدم تجربه و جوان بودن، هنوز با روش آزمایش و خطا، به کندی حرکت می‌کرد و ملت با تمام توان برای تحقق هدفش (جمهوری اسلامی) تلاش می‌کرد. در این فضای پر التهاب، امام خمینی (ره) برای تحقق احکام اسلام در تمام ارگان‌های دولتی، آسایش، آرامش و تکریم مردم صبور و پایدار، پیام اطمینان‌بخش هشت ماده‌ای را صادر نمودند.

امام خمینی (ره) در بند اول فرمان هشت ماده‌ای خطاب به همه مسئولین مربوطه، برای تهیه قانون (مجلس برای تهیه و تصویب، و دولت برای ابلاغ و اجرا) دستور تهیه قوانین شرعی و تصویب و ابلاغ آن را با دقت لازم و سرعت، صادر نمودند؛ و برای اهمیت و عمومیت مسائل قضایی در همین بند آورده‌اند:

«قوانین مربوط به مسائل قضایی که مورد ابتلای عموم است و از اهمیت بیش‌تر برخوردار است، در رأس سایر مصوبات قرار گیرد که کار قوه قضاییه به تأخیر یا تعطیل نکشد و حقوق مردم ضایع نگردد» (همان، ج ۱۷، ص ۱۳۹).

امام خمینی در احقاق حقوق شهروندی و کرامت انسانی ضمن تأکید بر صلاحیت قضات، به صلاحیت کارمندان و متصدیان ارگان‌های دولتی نیز می‌پردازند.

از آنجایی که در دوران رژیم پهلوی به مردم ظلم می‌کردند، باید از بدنه نظام جمهوری اسلامی خارج می‌شدند، در این تصفیه باید موازین دینی و اسلامی رعایت می‌شد و انصاف مراعات می‌گردید؛ امام خمینی در ذیل بند دوم فرمان هشت ماده‌ای آورده‌اند:

«رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور با بی‌طرفی کامل، بدون مسامحه و بدون اشکال تراشی‌های جاهلانه که گاهی از تندروها نقل می‌شود، صورت گیرد تا در حالی که اشخاص فاسد و مفسد تصفیه می‌شوند، اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند. و میزان، حال فعلی اشخاص است با غمض عین از بعض لغزش‌هایی که در رژیم سابق داشته‌اند، مگر آن‌که با قرائن صحیح معلوم شود که فعلاً نیز کارشکن و مفسدند» (همان، ج ۱۷، ص ۱۳۹).

برای حفظ کرامت و شأنیت مردم در قوه قضائیه علاوه بر تدوین قانون قضایی، قاضی باید دارای شرایط قضاوت نیز باشد تا احتمال تعدی به حقوق مردم از ناحیه نفوذ دیگران در قاضی وجود نداشته باشد. امام خمینی در بند سوم می‌فرماید:

«آقایان قضات واجد شرایط اسلامی، چه در دادگستری و چه در دادگاه‌های انقلاب، باید با استقلال و قدرت، بدون ملاحظه از مقامی، احکام اسلام را صادر کنند و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پراهمیت خود ادامه دهند» (همان، ج ۱۷، ۱۴۰).

امام خمینی بر اساس موازین اسلام در ذیل بند سه فرموده‌اند:

«مأمورین ابلاغ و اجرا و دیگر مربوطین به این امر باید از احکام آنان تبعیت نمایند تا ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است و عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضائیه و متعلقات آن نیست؛ که در سایر ارگان‌های نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز، به طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیراسلامی داشته باشد» (همان، ج ۱۷، ۱۴۰).

امام خمینی در بند پنج و شش آورده‌اند:

«هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول، و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید، مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی. هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی- اسلامی مرتکب شود.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۰)

امام خمینی (ره) در فرمان هشت ماده‌ای آورده‌اند:

«هیچ کس حق ندارد... به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده، ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این‌ها جرم [و] گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق، مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی است.» (همان، ج ۱۷، ص ۱۴۰-۱۴۱)

همچنین در ذیل بند هفتم به جهت اهمیت مطالب با بیان نمونه‌هایی آورده‌اند:

«هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است، عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی قصاص می‌باشد... و همچنین هیچ یک از قضات، حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام

جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجرا کننده چنین حکمی، مورد تعقیب قانونی و شرعی است.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۴۱-۱۴۲)

از آنجا که رهبر باید دارای عدالت ایجابی و سلبی باشد و عدالت ایجابی رهبر اقتضا می‌کند که به کسی ظلم نکند، نه تنها خودش به کسی ظلم نکند، بلکه همه فرمانبرداران زیردستش به کسی ظلم نکنند. بر اساس همین عدالت ایجابی است که امام خمینی دستور تدوین قانون دقیق اسلامی و اجرای آن را صادر نموده‌اند و به کرات به مسئولین نظام درباره مردم توصیه‌هایی می‌فرمودند تا حیثیت، شرف و آبروی همه حفظ بماند و مؤمنین به سعادت اخروی نیز نائل آیند.

بر همین اساس، امام خمینی (ره) در بند هفتم فرمان هشت ماده‌ای آورده‌اند:

«همچنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل، ولی با احتیاط کامل، باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها؛ چرا که تعدی از حدود شرعی حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه مسامحه و سهل‌انگاری نیز نباید شود و در عین حال، مأمورین باید خارج از محدوده مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعی، عملی انجام ندهند.» (همان، ص ۱۴۱)

و همچنین برای نمونه افساد فی الارض، علاوه بر گروه‌ها آورده‌اند:

«کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است، و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است، آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند.» (همان)

کرامت انسانی و حقوق شهروندی در سیره عملی امام خمینی (ره)

یکی از مهمترین دغدغه‌های امام خمینی در حفظ حقوق شهروندی، مراقبت از اطرافیان خویش در برخی سوء استفاده‌های احتمالی در جهت اجر نهادن به سایر حقوق مردم بود. در رفتار دین‌مدارانه امام خمینی (ره) نیز جلوه‌های این کرامت انسانی، در عرصه‌های مختلف زندگی نمایان است.

با تشکیل جمهوری اسلامی و تشکیل نهادهای انقلابی به مسئولان دستورهای اکید می‌داد تا قوانین را رعایت و احکام اسلامی را به طور کامل اجرا کنند. مسئولان را به دوری از استفاده نابه‌جا از امکانات و قدرتشان سفارش می‌کرد و با محدودیت‌هایی که برایشان ایجاد می‌نمود آن‌ها را متنبه می‌ساخت تا دست به هر نوع اقدامی نزنند و به اسم اسلام و جمهوری اسلامی سلیقه‌های خود را بر مردم تحمیل نکنند. به جد خواستار اجرای قانون بود و امت اسلامی را به رعایت قانون - که منبعث از شرع است - فرا می‌خواند و از هر نوع اقدامی که باعث می‌شد حقوق حقه مردم پایمال شود یا زیر سؤال برود جلوگیری می‌نمود.

امام با توجه به نگاهی که به کرامت انسانی مخصوصاً در جامعه ایران داشت. برای رفع موانع اجرایی و قضایی آن، مرتب به مسئولان گوشزد می‌نمود. از جمله موانعی که می‌توان برای این

هدف برشمرد، رانت خواری و امتیازدهی‌های بی‌جا - چه در مسائل سیاسی و چه در مسائل اقتصادی - بود. به همین سبب، هم در گفتار و هم در عمل، نزدیکان و یاران خویش را از هر نوع دخالتی که بوی رانت دهد، منع می‌کرد.

از آنجا که مردم و مسئولان علاقه خاصی به امام و بستگانش داشتند، امام احتمال سفارش بستگانش را، در مورد برخی، در مسائل سیاسی، اقتصادی و... می‌داد در یک دستور کتبی به نخست وزیر وقت می‌نویسد:

«لازم است به جمیع وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی اخطار نمایند کسانی که از منسوبین و یا اقربای اینجانب هستند و برای توصیه اشخاص و یا نصب و عزل اشخاص به مراکز مربوطه مراجعه می‌کنند، به هیچ وجه به آنان ترتیب اثر ندهند. منسوبین و نزدیکان مطلقاً حق دخالت در این گونه امور را ندارند.» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۶۵)

کارگزاران نظام و کرامت انسانی الف) عدم سوء استفاده از قدرت و رانت

از نگاه امام، باید همه کارگزاران دارای اخلاق اسلامی بوده و حافظ امانت مردمی باشند و کسانی که در صدد سوء استفاده از قدرت یا موقعیت و استفاده بی مورد از بیت‌المال بودند مورد طعن امام واقع می‌شدند. همان طور که در سخنان امام اشاره شد برنامه جمهوری اسلامی، اجرای عدالت در جامعه اسلامی است. به همین جهت امام هرگونه سوء استفاده را برنمی‌تافت و با جدیت بر آن خرده می‌گرفت و می‌شورید.

امام با درایت و تیزهوشی خود مانع رانت‌های احتمالی از طرف یارانش هم می‌شد. حضرت امام، در یک جا جلو چنین اعمالی را سد کرده و مردم را آگاه می‌کند. البته خطاب امام در این مطلب، یاران نیست چرا که با آوردن «نسبت‌های ناروا» می‌توان گفت افرادی که به واقع قصد سوء استفاده از مقام و منزلت امام را داشته‌اند می‌باشد:

«اکنون که من حاضریم، بعض نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من، در حجم آن افزوده شود؛ لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود مورد تصدیق نیست مگر آن که صدای من یا خط و امضای من باشد با تصدیق کارشناسان یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.» (همان، ج ۲۱، ۴۵۱)

هدف و اعتقاد امام از شرع گرفته شده بود. بنابراین اگر قرار می‌شد کسی را برکنار کند برایش مهم نبود که آن شخص کیست؛ چون در مقابل، اعتماد و آزادی را به مردم هدیه می‌نمود:

در مورد کاندیداتوری آقای فارسی که از سوی حزب جمهوری اسلامی اعلام شده بود، امام فرمودند چون پدر و مادر جلال الدین فارسی که کاندیدای حزب جمهوری اسلامی بود افغانی هستند ایشان نمی‌تواند رئیس جمهور شود. و هر مقدار اصرار شد، امام زیر بار نرفتند. (خلخال، ۱۳۷۱)

ب) عدم سوء استفاده از بیت المال

امام در تذکری به کارگزاران حج، خاطر نشان می‌کند حال که به وسیله همین مردم بر سر کار آمده‌اید و مسئولیتی را پذیرفته‌اید کاری نکنید که موجب وهن نظام و عامل بدبینی مردم نسبت به انقلاب شوید.

«خدای نخواست [نباید] این جمهوری اسلامی که برای حکومتِ الله و برقراری احکام مقدس آسمانی قرآن و سنت تشکیل شده به واسطه بعضی اعمال و رفتار آنان به گونه‌ای دیگر معرفی شود. و عیب‌جویانی که مراقب خرده‌گیری و بهانه هستند، بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی به شایعه پراکنی و مشوه نمودن چهره نورانی اسلام و جمهوری اسلامی بپردازند و گناه آن در نامه اعمال آنان که برای عبادت و فریضه حج رفته‌اند نوشته شود. لازم است مراقب باشند که اعمال بی‌رویه و گفتار باطل تحقق پیدا نکند و هرکس مراقب دوستان نزدیکان خود باشد.» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۹۶-۹۷)

هر چند خطاب امام به کارگزاران حج است اما می‌توان تعمیم داد. انتظار امام از دیگر کارگزاران در نظام جمهوری اسلامی چیزی غیر از این نمی‌تواند باشد. او در جواب خبرنگاری که جمهوری اسلامی را همانند جمهوری عربستان، الجزایر و... خوانده بود به این اصل مهم اشاره می‌کند که سوء استفاده از بیت‌المال در جمهوری اسلامی جایگاهی ندارد.

«در جمهوری اسلامی، زمامداران مردم نمی‌توانند با سوء استفاده از مقام، ثروت‌اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه امتیازی برای خود قائل شوند. باید ضوابط اسلامی را در جامعه و در همه سطوح به دقت رعایت کنند و حتی پاسدار آن باشند. دقیقاً باید به آرای عمومی در همه جا احترام بگذارند. هیچ گونه تسلط و یا دخالت اجانب را در سرنوشت مردم نباید بپذیرند. مطبوعات در نشر همه حقایق و واقعیات آزادند. هر گونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازند آزادند.» (همان، ج ۴، ص ۲۶۶)

دقت امام در حفظ حقوق شهروندی تا بدانجاست که زمانی که نخست وزیر از ایشان با طرح سوالی می‌پرسد: اگر از بخشنامه دولت مبنی بر اقامه نماز جماعت در شعبه‌ای از بانک‌ها و یا ادارات سوء استفاده شود و کار مردم تعطیل گردد. آیا می‌توان اقامه نماز را به اتمام وقت اداری که حدود ساعت ۲ بعد از ظهر است محول کرد؟ امام پاسخ می‌دهد: «لازم است پس از وقت اداری نماز بخوانند.» (همان، ج ۱۸، ص ۱۸۵)

دقت و حساسیت امام نسبت به حقوق مردم حتی مجریان قضایی را هم در برمی‌گیرد. ایشان، خطاب به آنها می‌فرماید:

«همچو نباشد که خدای نخواست هر که هر کاری کرد یا هر که هر چه شنید فوراً پاسبان برود دم در خانه‌اش. پاسبان‌ها نباید بروند خانه مردم؛ مگر با دستوری که از طرف دادستان از طرف دادگاه صادر می‌شود روی موازین شرعیه؛ رفتن در حرز مردم خلاف شرع است.» (همان، ج ۱۰، ص ۲۷۴)

آنچه مهم است برای امام رعایت حقوق مردم و احترام به جایگاه آنان است که در واقع رعایت حقوق جامعه و مردم، رعایت اسلام و مصالح است. به همین روی، در پیام‌های گوناگون به مسئولان و بازرسان، خواهان رعایت کردن قانون، عمل به آن و احترام به حقوق مردم می‌شوند:

«مسئولین بالای قضایی موظف‌اند در نهادهای مذکور، نظارت کامل داشته و از انحرافات جلوگیری نمایند؛ و روحانیونی که در امر قضا گماشته شده‌اند بدانند که بالاترین مسئولیت را به عهده گرفته و انحراف به هر نحو از آنان متوقع نیست و با آنان سخت‌گیری خواهد شد.» (همان، ج ۱۴، ص ۲۱۸)

امام با توجه به این که می‌فرماید در نظام جمهوری اسلامی حق کسی نباید ضایع شود و اگر سخنی علیه کسی گفته شد باید جایی برای دفاع، برای شخص مظلوم باشد، کرامت انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد:

«اگر در مجلس به کسی که حاضر نیست و راه به مجلس ندارد که از خود دفاع نماید حمله‌ای شد، به او اجازه داده شود یا در مجلس از خود دفاع کند، و اگر قانوناً آشکالی در این عمل می‌بینند، رادیو-تلویزیون و مطبوعات این وظیفه سنگین را به دوش کشند تا حق مظلومی ضایع نشود و شخصیتی بی‌دلیل خرد نگردد. و راه‌گشای این امر خود نمایندگان و رئیس محترم مجلس هستند که با تعهدی که دارند و مسئولیتی که بر دوش آنهاست این حق را به اشخاص غایب بدهند تا به وسیله مجلس که نگهدار مصالح کشور و ملت است حق ضایع نشود و انسانی مظلوم نگردد.» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۶۸)

نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله مطرح شد، این تحلیل و نتیجه را می‌توان ارائه داد که کرامت انسانی و حقوق شهروندی در جهت واحدی قرار دارند که در این جهت، کرامت و شرافت ذاتی انسان به عنوان خاستگاه حقوق بشر و شهروند قرار دارد.

اساساً بنای ادعای مدعیان حمایت از حقوق انسان‌ها، کرامت ذاتی و فطری انسان است که از ابتدا با او زاده می‌شود. آنان بر این باورند که کرامت ذاتی انسان‌ها و حقوق طبیعی آنان به صورت توأمان متولد می‌شوند. بنابراین، انسان به خودی خود از حقوقی برخوردار است که این حقوق به صورت نهفته در نهاد او وجود دارد و زمانی که انسان به اجتماعی شدن تن داد و یا آن را برگزید، عناصر حقوق طبیعی فعال می‌شوند و از صورت قوه به فعل در می‌آیند. در سیستم اجتماعی شدن، انسان ناگزیر است به دیگران تعهداتی بسپارد و تعهداتی را بر عهده بگیرد و این همان چیزی است که از آن به عنوان حق و تکلیف یاد می‌شود.

فرایند اجتماعی شدن انسان در نهایت، نهاد حکومت را پدید آورد. این نهاد، زمانی شکل گرفت که گروهی از انسان‌ها بر اساس خرد جمعی تصمیم گرفتند که جهت صیانت از زندگی شخصی‌شان دستگاه‌های عالی‌ای به وجود بیاورند. با شکل‌گیری چنین دستگاه‌هایی تحت عنوان حکومت و دولت، مفهوم «شهروندی» متولد شد.

البته صحبت از حقوق شهروندی محصول تلاش اندیشمندان چند قرن اخیر است؛ زیرا تاریخ هزاران ساله نشان می‌دهد که از تشکیل دولت‌های بدوی تا دولت‌های مدرن قرن‌های اخیر، به ندرت بوده‌اند دولت‌هایی که صحبت از حقوق بشر و یا شهروندی بر ذائقه آنان خوش آمده باشد. در این تاریخ طولانی، حکومت‌ها همواره از شانه‌های مردم بالا رفته‌اند؛ اما هرگز عنوانی بهتر از «رعیت» را به مردم نداده‌اند.

موج جهانی حمایت از حقوق بشر و سپس حقوق شهروندان، هنگامی نشو و نما یافت که بخش غربی جهان در شتاب مدرنیته و صنعتی شدن قرار گرفت. در این هنگام، بشریت تازه به روشنایی رسیده، متوجه شد که آنان از حقوق و کرامت ذاتی و طبیعی‌شان چقدر دور نگه داشته شده بودند. از این زمان، موج حق‌طلبی به عنوان حمایت از انسان و سپس شهروند، نیمی از جهان را فرا گرفت و تلاش و فداکاری‌های اندیشمندان و گروه‌های مردمی منجر به تمکین برخی از حکومت‌ها در به رسمیت شناختن حقوق بشر و شهروند شد و پیرو آن اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و شهروند صادر شد که شکل تکامل یافته آن، اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸م است که اکثریت قریب به اتفاق حکومت‌های جهان این میثاق نامه را امضا کرده‌اند.

اما از لحاظ نظری و تئوریک، کرامت ذاتی انسان از سوی مکاتب و ادیان الهی و بشری به صورت اجماعی پذیرفته شده است. بخش مهمی از تعالیم ادیان الهی در خصوص زندگی اجتماعی انسان و حقوقی است که انسان بما هو انسان از آن بهره‌مند است. اسلام به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین دین، علاوه بر آنکه انسان را موجودی برتر و خلیفه خداوند بر روی زمین می‌داند، حکومتی را پیش‌بینی کرده است که در آن تمام مسلمانان عنوان واحدی به نام «امت» را دارند. بنابراین، امت اسلامی، شهروندان حکومت اسلامی هستند که در این حکومت تمام احکام، تعالیم و دستورات اسلام بر بنیان «کرامت ذاتی انسان» استوار گشته است. تحقق حکومت اسلامی اگرچه پس از حکومت حضرت علی (ع) تا به حال به صورت معلق درآمده بود، اما حضرت امام خمینی (ره) به عنوان اندیشمند بزرگ اسلامی موفق شدند نمونه‌ای از حکومت اسلامی را پس از چهارده قرن پایه‌ریزی کنند.

بیت الغزل اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) تأسیس حکومتی اسلامی بود که در آن کرامت، حرمت، شرافت و حیثیت شهروندان پاس داشته شود. در این اندیشه، همه چیز به مردم ختم می‌شود. کسانی که با عنوان محروم و مستضعف سال‌ها طوق فرمانبرداری توسط رژیم‌های گذشته ایران بر گردنشان گذاشته شده بود، در جایگاه واقعیشان به عنوان شهروند قرار گرفته‌اند.

با توجه به مطالب مطرح شده در این نوشتار، هدف نگارندگان، توجه دادن به رعایت حقوق مردم و حفظ شئون جامعه و شخصیت آنان در سیره عملی امام است.

امام تمام تلاش خویش را به رعایت قانون اساسی جمهوری اسلامی معطوف می‌دارد. و در پیامی به نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی می‌فرماید:

«نمایندگان محترم مجلس خبرگان باید همه مساعی خویش را به کار برند تا قانون اساسی، جامع و دارای خصوصیات زیر باشد:

الف. حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت، دور از تبعیض‌های ناروا...» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۱۰)

از طرف دیگر اسلام به کرامت انسانی به مثابه یکی از بنیادی‌ترین مبانی تعامل حقوق سیاسی - اجتماعی در جامعه می‌نگرد و بر اساس آموزه‌های دین مدارانه امام خمینی (ره) جلوه‌های این کرامت انسانی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و فردی انسان نمایان است. در این نوشتار به گوشه‌ای از سیره عملی امام

اشاره شده است. هر چند کرامت انسانی همسنگ با عدالت مطرح شده، اما غایت عدالت همان احترام به حقوق دیگران بر اساس قوانین شرعی است.

عمل نکردن به این حقوق، پایمال کردن کرامت ذاتی و ارزشی انسان‌ها است. رانت خواری، تبعیض، و... از مواردی است که اجازه رشد استعداد‌های افراد را گرفته و کرامت ارزشی آنان را پایمال خواهد کرد.

مسئله دیگری که در سیره عملی امام مطرح است آن است که کرامت و شخصیت و ارزش افراد جامعه بیش‌تر از طرف دولت مورد خدشه است تا از طرف افراد جامعه.

امام با وجود این که کرامت ذاتی را برای تمام انسان‌ها قائل بوده، کرامت ارزشی آنان را در رعایت قانون و تقوای الهی می‌دانست. بنابراین افرادی را که مخالف قانون عمل می‌کردند، به شدت خواهان اجرای عدالت علیه آنان می‌شد.

از آنجا که کرامت انسانی تنها با اجرای عدالت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و با حذف فساد و باندبازی‌ها و رانت خواری‌های مسئولان هر نظامی محقق می‌شود، لذا توصیه‌های امام همواره به حذف این موارد و عمل به قانون جمهوری اسلامی بود. ایشان هدف از تشکیل قانون و به طور کلی تشکیل جمهوری اسلامی را اجرای عدالت برمی‌شمرد. حتی هدف بعثت انبیا را نیز اجرای عدالت می‌دانست.

منابع

- ۱) جعفری، محمد تقی (۱۳۷۰)، تحقیق در دو نظام حقوقی جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، تهران.
- ۲) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹)، کرامت در قرآن، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، چاپ سوم.
- ۳) طباطبائی، محمدحسین (۱۳۶۳)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی فرهنگی، تهران.
- ۴) کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، مبانی حقوق عمومی، نشر میزان، تهران، چاپ دوم.
- ۵) جوان آراسته، حسین (۱۳۸۴)، حقوق سیاسی - اجتماعی در اسلام، دفتر نشر معارف، تهران، چاپ اول.
- ۶) بوسچک، بولسلاو و بلدسو، رابرت. (۱۳۵۷)، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه بهمن آقایی، گنج دانش، چاپ اول، تهران.
- ۷) استلی برس، اولیور و بولک، آلن (۱۳۷۸)، فرهنگ اندیشه نو، نشر مازیار، تهران، چاپ دوم.
- ۸) پللو، روبر (۱۳۷۰)، شهروندی و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹) مک‌لین، ایان (۱۳۸۱)، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
- ۱۰) صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۱) نهج البلاغه، محمد بن الحسین شریف رضی، مؤسسه انصاریان، قم، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- ۱۲) کاستلز، استفان و دیویدسون، آلیتر (۱۳۸۲)، مهاجرت و شهروندی، ترجمه فرامرز تقی‌لو، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- ۱۳) براتعلی‌پور، مهدی (۱۳۸۴)، شهروندی و سیاست نو و فضیلت‌گرا، انتشارات تمدن ایرانی، تهران، چاپ اول.
- ۱۴) فالکس، کیث (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، کویر، تهران، چاپ اول.
- ۱۵) روآسانی، شاپور (۱۳۸۰)، زمینه‌های اجتماعی هویت ملی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران.
- ۱۶) در جستجوی راه از کلام امام، (۱۳۶۲)، دفتر پانزدهم، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۱۷) بوازار، مارسل (۱۳۵۸)، اسلام و حقوق بشر، ترجمه محسن مؤیدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۸) پیمان، حبیب‌الله (۱۳۷۷)، اسلام و مردم سالاری، تهران.
- ۱۹) موحد، محمدعلی (۱۳۸۱)، در هوای حق و عدالت، نشر کارنامه، تهران، چاپ اول.
- ۲۰) مارکوزه، هربرت (۱۳۵۹)، انسان تک‌ساحتی، ترجمه محسن مؤیدی، کتاب پایا، تهران، چاپ دوم.